

Designing an Optimal Model for Strategies to Prevent the Generational Gap in Audience Interaction with Social Networks

Fatemeh Habibi*, Hamdollah Akvani**, Jaseb Nikfar*** and Ali Mokhtari****

Research Article	Receive Date: 2024.01.14	Accept Date: 2024.08.21	Online Publication Date: 2024.08.27	Page: 141-173
------------------	-----------------------------	----------------------------	--	---------------

The phenomenon of the generational gap, which refers to differences in values, norms, and attitudes between generations, is caused by multiple factors. One significant factor is social networks, influenced by the quantitative and qualitative growth of information and communication technology. The purpose of this study is to design an optimal model for strategies to prevent the generational gap in audience interaction with social networks, using a qualitative method based on thematic network analysis. Data were collected through semi-structured interviews with 21 experts in generational studies, selected via purposive non-random sampling. Through theoretical coding, overarching, organizing, and basic themes were identified and analyzed. The findings indicate that the optimal model for addressing the generational gap in audience interaction with virtual social networks consists of five overarching themes (proper functioning of the education institution, family institution, media institution, religious institution, and political institution), 14 organizing themes, and 55 basic themes. To validate the findings, communicative evaluation and audit methods were used, while reliability was assessed through repeatability and transferability methods.

Keywords: *Generational Gap; Social Networks; Socialization; Thematic Analysis*

* PhD Student in Political Science, Faculty of Humanities, Yasouj University, Yasouj, Iran;

Email: fateme44@yahoo.com

** Associate Professor, Department of Political Science, Faculty of Humanities, Yasouj University, Yasouj, Iran; (Corresponding Author); Email: akvani@yu.ac.ir

*** Associate Professor, Department of Political Science, Faculty of Humanities, Yasouj University, Yasouj, Iran; Email: jnikfar@yu.ac.ir

**** Assistant Professor, Department of Political Science, Faculty of Humanities, Yasouj University, Yasouj, Iran; Email: a.mokhtari@yu.ac.ir

Majlis and Rahbord, Volume 32, No. 123, Fall 2025

How to cite this article: Habibi F., H. Akvani, J. Nikfar and A. Mokhtari (2025). "Designing an Optimal Model for Strategies to Prevent the Generational Gap in Audience Interaction with Social Networks", *Majlis and Rahbord*, 32(123), p. 141-173.

doi:10.22034/MR.2024.16441.5727

طراحی مدل مطلوب راهکارهای پیشگیری از شکاف نسلی در تعامل مخاطبان با شبکه‌های اجتماعی

فاطمه حبیبی،* حمداله اکوانی،** جاسب نیکفر*** و علی مختاری****

نوع مقاله: پژوهشی	تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۰/۲۴	تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۵/۳۱	تاریخ انتشار: ۱۴۰۳/۰۶/۰۶	شماره صفحه: ۱۴۱-۱۷۳
----------------------	--------------------------	-------------------------	--------------------------	------------------------

پدیده شکاف نسلی که به معنای اختلاف در ارزش‌ها، هنجارها و نگرش‌های بین‌نسلی است معلول عوامل متعددی است. یکی از این عوامل مهم شبکه‌های اجتماعی است که متأثر از رشد کمی و کیفی فناوری اطلاعات و ارتباطات است. هدف این پژوهش طراحی مدل مطلوب راهکارهای پیشگیری از شکاف نسلی در تعامل مخاطبان با شبکه‌های اجتماعی است که از روش کیفی و از نوع شبکه مضمون استفاده شد. بدین‌ترتیب که داده‌های پژوهش با مصاحبه نیمه‌ساخت یافته و با رجوع به ۲۱ نفر از خبرگان حوزه مطالعات نسلی گردآوری و با روش نمونه‌گیری غیرتصادفی هدفمند انتخاب شد. سپس از طریق کدگذاری نظری داده‌ها، مضامین فراگیر، سازمان یافته و پایه، شناسایی و مورد تحلیل قرار گرفت. یافته‌های پژوهش نشان داد مدل مطلوب راهکارهای مقابله با شکاف نسلی در تعامل مخاطبان با شبکه‌های اجتماعی مجازی از پنج مضمون فراگیر (عملکرد صحیح نهاد آموزش، عملکرد صحیح نهاد خانواده، عملکرد صحیح نهاد رسانه، عملکرد صحیح نهاد دین و عملکرد صحیح نهاد سیاست)، ۱۴ مضمون سازمان یافته و ۵۵ مضمون پایه‌ای تشکیل شده است. به‌منظور اعتبار‌سنجی یافته‌ها از روش ارزیابی ارتباطی و نیز روش ممیزی و برای پایایی سنجی از روش‌های قابلیت تکرارپذیری، انتقال یا تعمیم‌پذیری استفاده شده است.

کلیدواژه‌ها: شکاف نسلی؛ شبکه‌های اجتماعی؛ جامعه‌پذیری؛ تحلیل مضمون

* دانشجوی دکتری علوم سیاسی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه یاسوج، یاسوج، ایران؛ Email: fateme44@yahoo.com
** دانشیار، گروه علوم سیاسی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه یاسوج، یاسوج، ایران (نویسنده مسئول)؛ Email: akvani@yu.ac.ir
*** دانشیار، گروه علوم سیاسی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه یاسوج، یاسوج، ایران؛ Email: jnikfar@yu.ac.ir
**** استادیار، گروه علوم سیاسی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه یاسوج، یاسوج، ایران؛ Email: a.mokhtari@yu.ac.ir

فصلنامه مجلس و راهبرد، سال سی‌ودوم، شماره یکصد و بیست‌وسوم، پاییز ۱۴۰۴

روش استناد به این مقاله: حبیبی، فاطمه، حمداله اکوانی، جاسب نیکفر و علی مختاری (۱۴۰۴). «طراحی مدل مطلوب راهکارهای پیشگیری از شکاف نسلی در تعامل مخاطبان با شبکه‌های اجتماعی»، فصلنامه مجلس و راهبرد، ۳۲(۱۲۳)، ص. ۱۴۱-۱۷۳.

doi:10.22034/MR.2024.16441.5727

مقدمه

شکاف نسلی از جمله مباحثی است که به‌عنوان یکی از عوامل تعارض در سطوح مختلف اجتماعی از خانواده تا جامعه و حوزه سیاسی مطرح می‌شود. معمولاً جوامع در حال گذار یا جوامعی که با تحولات سریع اجتماعی و تقابلات سیاسی - اجتماعی مواجه می‌شوند، بیشتر مستعد پدیداری شکاف در میان نسل‌های خود هستند. این قاعده، در مورد جامعه ایران که مصداق بارزی از جامعه در حال عبور از مظاهر سنت به اشکال مدرن است و در این گذار تاریخی با حوادث و مسائل گوناگون سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی روبه‌رو بوده همواره مورد بحث است. لذا در جامعه‌ای همچون ایران که با جمعیت زیادی از جوانان و نوجوانان و همچنین جهانی شدن و امواج فرستنده‌های مختلف و ظهور اینترنت به‌مثابه پدیده‌ای نوظهور مواجه است، نسل جوان کلکسیونی از «جدید بودن‌ها» را تجربه می‌کند که والدین آنها حافظه مشترک نسبت به آن ندارند و همین سرآغاز مسئله است.

هم‌زمان همه شواهد نشان می‌دهد در ایران رسانه‌های جمعی و شبکه‌های اجتماعی مبتنی بر محیط وب بیشترین بخش از اوقات فراغت افراد را به خود اختصاص داده است و رشد فزاینده تکنولوژی اطلاعات و ارتباطات و مصرف رسانه‌های مبتنی بر فضای وب موجب دسترسی‌های جدید در جامعه شده است. توسعه دسترسی به رسانه‌های الکترونیکی و مجازی تمام ابعاد حوزه‌های خصوصی، عمومی و سیاسی را با اشکال جدیدی از هویت مواجه کرده است؛ هویت‌هایی که گاه تفاوت و گاه شکاف چشمگیری با همدیگر دارد. شبکه‌های اجتماعی مجازی با تولید و انتشار لحظه‌ای پیام‌های گوناگون، دسترسی‌های جدیدی را برای گروه‌های مختلف اجتماعی جامعه ایرانی ایجاد کرده که قابل مقایسه با دو دهه گذشته نیست. هزاران شبکه اجتماعی در اینترنت فعال هستند که هر کدام بر مبنای موضوع خاصی راه‌اندازی شده‌اند. شبکه‌های

اجتماعی زیادی با موضوع‌های مختلف، علایق مشترک در حوزه‌های سینما، ورزش، موسیقی، زبان مشترک، ملیت مشترک، دین مشترک و غیره در فضای مجازی فعال هستند و هر کدام میلیون‌ها کاربر اینترنتی ایرانی را جذب کرده‌اند. سایت‌ها و شبکه اجتماعی در سال‌های اخیر نزد کاربران ایرانی جایگاه زیادی در اینترنت پیدا کرده‌اند و به رده پرمصرف‌ترین فضاهای اجتماعی راه یافته‌اند.

مطالعات متعدد نشان داده تأثیرات و پیامدهای مثبت و منفی اینترنت به‌عنوان پدیده نوین در اجتماعات انسانی در حال گسترش است و هر روز صاحب‌نظران و رسانه‌ها نقش مثبت اینترنت در توسعه اقتصادی و نقش منفی آن را در توسعه فرهنگی گوش زد می‌کنند. در پژوهش‌های جدید، مدیریت زمان، اشتراک‌گذاری دانش، کارکرد اقتصادی به‌عنوان پیامدهای مثبت؛ تحت فشار قرار گرفتن اعتقادهای مذهبی، فقدان جسمیت و مبتنی‌بر متن بودن، شکل‌گیری هویت‌های متعدد، تشدید مصرف‌گرایی، اعتیاد اینترنتی، تغییر در ارزش‌ها و مهم‌تر از همه تعمیق شکاف نسلی به‌عنوان پیامدهای منفی مصرف شبکه‌های اجتماعی مبتنی‌بر محیط وب مطرح شده است.

با وجود موافقان و مخالفان شکاف نسلی در داخل و خارج از کشور درخصوص تأثیر استفاده از رسانه‌های خارجی و اینترنت باید گفت بسیاری از پژوهش‌ها مؤید تأثیر مصرف رسانه‌های محیط وب و بسیاری حاکی از تأثیر استفاده از وسایل ارتباط جمعی نوین است. از این‌رو متأثر از گسترش روزافزون مصرف رسانه‌ای و فضای سایبر، واکاوی و طراحی مدل مطلوب راهکارهای مقابله‌ای شکاف نسلی در تعامل مخاطبان با شبکه‌های اجتماعی مجازی ضرورتی اساسی است. سؤال اساسی تحقیق حاضر آن است که مدل مطلوب راهکارهای مقابله‌ای با شکاف نسلی متأثر از تعامل مخاطبان با شبکه‌های اجتماعی مجازی چگونه است؟

۱. پیشینه تحقیق

محققان داخلی و خارجی از دو منظر بحث شکاف نسلی را مورد بررسی قرار داده‌اند: دسته‌ای به وجود تفاوت نسلی و در مقابل نبود شکاف نسلی در ایران و جهان تأکید کرده‌اند. در این زمینه می‌توان به مطالعات جانعلیزاده چوب‌بستی و سلیمانی بشلی (۱۳۹۰) اشاره کرد که براساس فراتحلیل تحقیق‌های مرتبط با موضوع به تفاوت نسلی دست یافته‌اند و نه شکاف نسلی. معیدفر (۱۳۸۳) نیز با روش تحلیل ثانویه به چنین نتیجه‌ای (تفاوت نسلی و گسست فرهنگی و نه شکاف نسلی) دست یافته است.

علاوه بر آن قاضی‌نژاد (۱۳۸۳) در مطالعه خود به دگرگونی ارزشی میان نسل جوان و میانه با وجود اشتراکاتشان در مقولات ارزشی مرتبط با نظم، امنیت، همکاری و توسعه دست یافته است. همچنین آزاد ارمکی و غیاثوند (۱۳۸۳) در مطالعه خود به این نتیجه دست یافته‌اند که به دلیل حاکم بودن ارزش‌های سنتی خانوادگی و عامل مذهب و نیز عدم امنیت اقتصادی، دگرگونی ارزشی بین گروه‌های سنی مختلف شکل نگرفته است. صبوری خسروشاهی و توکلی‌نیا (۱۳۹۱) نیز در تحقیق خود با عنوان «بررسی تأثیر رسانه ملی در ایجاد شکاف نسلی» چنین نتیجه‌گیری کرده‌اند که رسانه ملی بر شکاف نسلی تأثیری نداشته است. مطالعه ری‌بک و دومانک^۱ (۲۰۱۰) هم ضمن رد مسئله شکاف نسلی چنین نتیجه‌گیری کرده‌اند که درخصوص تغییرات ارزش‌های فرهنگی در میان شهروندان کلان‌تان مالزی تفاوت معناداری را در بازه زمانی ۳۶ سال نشان نداده است.

تعداد دیگری از پژوهشگران به وجود شکاف نسلی و نقش برجسته رسانه‌های

1. Raybeck and Domunck

نویسن بر شکل‌گیری شکاف نسلی تأکید ورزیدند. مطالعات تسه تان تورس^۱ (۱۹۹۵)، رباکا شمشیر^۲ (۲۰۱۲)، قدیمی (۱۳۸۷) و احمدی و احیایی (۱۳۹۲)، آزادی‌نژاد (۱۳۹۲)، حضرتی صومعه و رحیمی (۱۳۹۴)، شالچی و کلاهی حامد (۱۳۹۷)، مستخدمین حسینی، کریمیان و سوادیان (۱۴۰۱)، حسینی و اصغری (۱۴۰۲) را می‌توان در زمره این دسته از مطالعات قلمداد کرد. تسه تان تورس (۱۹۹۵) با تحقیق خود در کشور فیلیپین نشان داد بینندگان پرمصرف برنامه‌های تلویزیونی آمریکایی، ارزش‌های غیرسنتی از خود نشان دادند تا ارزش‌های سنتی فیلیپین. به عبارت دیگر، آن دسته از دانش‌آموزان دبیرستانی فیلیپین که برنامه‌های آمریکایی را بیشتر تماشا می‌کردند، به ارزش‌های خارجی بیشتر تمایل داشتند. رباکا شمشیر (۲۰۱۲) نیز در پژوهشی با عنوان «تأثیر برنامه‌های تلویزیونی ماهواره بر فرهنگ مردم بنگلادش» نشان می‌دهد در مدت ۸ تا ۱۰ سال اخیر تغییرات بسزایی در فرهنگ سنتی مردم بنگلادش حادث شده و این تغییرات در حال تداوم است. گرچه همه این تغییرات برآمده از برنامه‌های ماهواره‌ای نیست، اما بی‌تردید مؤثرترین عامل تغییرات یادشده برنامه‌های شبکه‌های ماهواره‌ای هستند.

احمدی و احیایی (۱۳۹۲) در تحقیق خود «بررسی شکاف نسلی و عوامل مرتبط با آن (مورد مطالعه: دانش‌آموزان دوره متوسطه شهرستان سراب)» به این نتیجه رسیده که رابطه معناداری بین متغیر مصرف وسایل ارتباط جمعی با شکاف نسلی وجود دارد. به این معنا که هر قدر میزان استفاده از وسایل ارتباط جمعی بیشتر باشد میزان شکاف نسلی نیز بیشتر می‌شود. آزادی‌نژاد (۱۳۹۲) هم در پژوهش خود با عنوان «بررسی تأثیر رسانه‌های الکترونیکی (اینترنت) در ایجاد شکاف نسلی بین

1. Tessa Tan Torres

2. Robaka Shamsher

فرزندان و والدین خانواده‌های تهرانی» به این نتیجه رسیده که «محتوای اینترنت» و «برقراری ارتباط در این فضای مجازی» بر ایجاد شکاف نسلی میان فرزندان و والدین خانواده‌های تهرانی تأثیر دارد. حضرتی صومعه و رحیمی (۱۳۹۴) در مقاله خود با عنوان «بررسی جامعه‌شناختی رابطه رسانه‌های جدید و شکاف بین‌نسلی در بین جوانان ۲۰-۲۸ ساله و والدینشان» نوشته‌اند که تحقیق آنها نشان داده در خانواده‌های با پایگاه اجتماعی بالا مصرف رسانه‌های جدید موجب شکاف اجتماعی بین والدین و فرزندان می‌شود.

شالچی و کلاهی حامد (۱۳۹۷) در تحقیق «ارتباط ساختاری شکاف میان‌نسلی با اعتیاد به اینترنت در میان جوانان» نتیجه‌گیری کرده‌اند که اعتیاد به اینترنت باعث شکاف نسلی و فاصله‌گیری از ارزش‌های نسل پیشین می‌شود. تحقیق مستخدمین حسینی، کریمیان و سوادیان (۱۴۰۱) با عنوان «شکاف نسلی و تجربه زیسته مادران سمنانی» مؤید تأثیر شبکه‌های اجتماعی بر شکاف نسلی است. آنان می‌گویند مصاحبه‌ها با والدین نشان از آن دارد که فضای مجازی موجب سه نوع شکاف با عنوان «تفاوت در ارزش»، «تفاوت در بینش» و «تفاوت در کنش» میان والدین و فرزندان شده که پیامد آن تضعیف کنش‌های عاطفی، سست شدن بنیان و افزایش خشونت‌های خانوادگی است و اینترنت و فضای مجازی زیست جهان جدیدی ایجاد کرده و موجب دور شدن جوانان از ارزش‌های سنتی و پدید آمدن ارزش‌های جدید گشته و در کنار عوامل دیگر در گسست و تقابل اندیشه والدین و فرزندان سهم قابل ملاحظه‌ای دارد.

حسینی و اصغری (۱۴۰۲) در تحقیق با عنوان «شناسایی مؤلفه‌های تأثیرگذار بر شکاف نسلی و ارائه راهکار در نظام آموزش و پرورش» رسانه‌های دیداری و شنیداری، رسانه‌های جمعی غربی، نوع استفاده از اشکال تکنولوژی، شبکه‌های اجتماعی مجازی را

یکی از بسترهای شکاف‌ساز نسلی عنوان کرده‌اند. در یک جمع‌بندی کلی می‌توان گفت پژوهش‌های پیشین به‌صورت مستقیم و هم‌زمان به شکاف نسلی در بعد نظری و عملی در تعامل با شبکه‌های اجتماعی مجازی نپرداخته و به‌صورت کلی و غیرمستقیم به آن اشاره داشته‌اند. ازسوی دیگر هیچ‌کدام از تحقیقات قبلی به ارائه مدل مطلوب مقابله‌ای شکاف نسلی بر مبنای مطالعه کیفی مبادرت نکرده‌اند؛ امری که در این پژوهش اقدام شده است تا کاستی‌های مطالعاتی و پژوهشی این حوزه را مرتفع سازد.

۲. شکاف نسلی: تعاریف و رویکردها

شکاف نسلی عمدتاً پس از جنگ جهانی دوم و به‌ویژه در دهه ۶۰ در جامعه اروپایی مطرح شده و چالش‌هایی بر سر آن میان متفکران اجتماعی و جامعه‌شناسان به‌وجود آمد که در ادبیات جامعه‌شناسی توجه متخصصان علوم اجتماعی را به خود جلب کرده است (دانش و همکاران، ۱۳۹۳: ۳). گسست نسل‌ها می‌تواند بر مبنای احساس بی‌نیازی و استقلال کامل باشد که در عمل نه‌تنها به فاصله گرفتن از یکدیگر منجر می‌شود؛ بلکه به مرزبندی و جدایی کامل می‌انجامد (شرفی، ۱۳۸۲: ۱۱۰). از این‌رو در تعریف شکاف نسلی می‌توان بیان داشت: «شکاف نسلی به‌معنای وجود تفاوت‌های دانشی، گرایشی و رفتاری مابین دو نسل با وجود پیوستگی‌های کلان متأثر از ساختارهای اجتماعی، فرهنگی و تاریخی است. فرزندان در مقایسه با افراد پیر و میان‌سال با وجود اینکه در یک فضای فرهنگی زندگی می‌کنند، اطلاعات، گرایش‌ها و رفتارهای متفاوت دارند» (آزاد ارمکی و غفاری، ۱۳۸۳: ۱۷).

بنابراین می‌توان شکاف نسلی را اختلاف در ارزش‌ها یا هنجارها یا نگرش‌هایی دانست که موجب جدایی نسل جدید از نسل قدیم می‌شود و می‌تواند به تقابل نسلی منجر شود. شکاف نسلی همچنین در معانی متفاوتی مورد استفاده قرار گرفته این

تفاوت‌ها گاه به نوع تعریف از نسل و گاه به تعریف شکاف مربوط است. شکاف را می‌توان حول محور زمان، گروه‌ها و پیوندها تعریف کرد. وقتی زمان و گروه‌ها مشابه باشد، طبق هر تعریفی تفاوت نسلی وجود ندارد. وقتی زمان متفاوت و گروه‌ها مشابه باشد، مقایسه بر سر این خواهد بود که چگونه گروه‌هایی مشابه از افراد در طول زمان تفاوت نشان می‌دهند. وقتی زمان مشابه و گروه‌ها متفاوت باشد (مثل والدین و فرزندان یا دانشجوی سال اول و چهارم)، مقایسه بر سر این خواهد بود که چگونه گروه‌ها در یک مقطع زمانی مشخص تفاوت نشان می‌دهند. وقتی هم گروه‌ها و هم زمان، تفاوت داشته باشد، مقایسه‌های گوناگونی را می‌توان انجام داد.

در مورد نسل نیز تعاریف گوناگونی ارائه شده است. آنتونی گیدنز^۱ تعریف خاصی از نسل ارائه داده است. وی نسل را همچون هم‌دوره‌ای‌های اجتماعی در نظر می‌گیرد که در طول زمان ترسیم شده‌اند (آزاد ارمکی، ۱۳۸۶: ۳۰). از این‌رو تفاوت نسلی یعنی نسل حاضر با نسل دیروز از نظر آرمان‌ها، ارزش‌ها، گرایش‌ها و باور داشت‌ها، اعتقادات، سبک زندگی و غیره با هم متفاوت است. گیدنز منشأ دگرگونی فرهنگی را تضاد بین سنت و مدرنیته و به تبع تقابل بین اختیار و خطرپذیری می‌بیند (فاضلی، ۱۳۸۲: ۶۵). به نظر می‌رسد از دیدگاه گیدنز تلقی از نسل در جوامع سنتی و مدرن متفاوت باشد. در جوامع سنتی، هر نسل به میزان زیادی شیوه‌های زندگی گذشتگان خود را از نو کشف کرده و ضمن بازسازی و نوسازی آن را مجدداً به شکل و شیوه‌ای جدید مورد عمل قرار می‌دهد؛ اما در عصر جدید از نو شروع کردن تا حدودی مفهوم خود را از دست داده است (گیدنز، ۱۳۷۹: ۲۰۷) لذا فرد همواره به جای نگاه به گذشته بر انتخاب شیوه‌های فعالانه‌تر و مدرن‌تر تأکید دارد.

عام‌ترین روایت‌ها در خصوص نسل‌ها و دگرگونی ارزشی نسل‌ها را اینگلهارت

و همکارانش ارائه کرده‌اند. به عقیده اینگله‌ه‌ارت مدرنی‌زاسیون، تحول فرهنگی بسیار وسیعی در فرهنگ معاصر به وجود آورده است. وی معتقد است خیزش سطوح توسعه اقتصادی، سطوح بالاتر آموزش، اشاعه رسانه‌های جمعی و برخاستن دولت رفاه به تغییر، در مهم‌ترین ارزش‌ها منجر می‌شود (خالقی‌فر، ۱۳۸۱: ۱۰۴-۱۰۳). بنابراین از این منظر می‌توان توسعه فناوری‌های نوین ارتباطی خاصه فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی مجازی برآمده از آن را در کنار جایگزینی نسلی در تحولات ارزشی افراد مؤثر دانست. ورن بنگستون^۱ ضمن بررسی نظریه‌های گوناگون در مورد شکاف نسل‌ها معتقد است سه دیدگاه در مورد شکاف یا گسست نسلی وجود دارد: الف) دیدگاهی که از وجود شکاف بزرگ حمایت می‌کند: این دیدگاه بر شکاف فرهنگی جوانان از فرهنگ مسلط بزرگسالان متمرکز است. ب) دیدگاهی که در نقطه مقابل؛ شکاف بزرگ را توهم دانسته و آن را از فریب افکار عمومی از سوی رسانه‌های عمومی ناشی می‌داند. متفکران این دیدگاه مدعی هستند که تضاد نسل‌ها بیشتر به ابزار به کار گرفته شده برای تحقق دادن به ارزش‌های مورد قبول یکسان و مشابه مربوط است؛ نه به قبول ارزش‌ها و ج) دیدگاهی که بین دو دیدگاه پیشین و اعتقاد به «گسست و تفاوت انتخابی» میان نسل‌ها وجود دارد؛ طرفداران این دیدگاه به گسست و تفاوت انتخابی، ستیز کم بین ارزش‌های نسل‌ها را می‌پذیرند (به نقل از معیدفر، ۱۳۸۳: ۵۸-۵۷).

۳. شبکه‌های اجتماعی مجازی: تعاریف و پیامدها

۳-۱. تعاریف

شبکه‌های اجتماعی، وب‌سایت یا مجموعه‌ای از وب‌سایت‌ها و فضاهایی در

1. Varn Bengston

محیط اینترنت، شرایطی را فراهم می‌سازند تا کاربران بتوانند علاقه‌مندی‌ها، افکار و فعالیت‌های خود را با دیگران به اشتراک گذارند و دیگران هم این افکار و فعالیت‌ها را با آنان سهیم شوند (Obar and Wildman, 2015). هزاران شبکه اجتماعی در اینترنت فعال است که هر کدام بر مبنای موضوع خاصی راه‌اندازی شده است. شبکه‌های اجتماعی زیادی با موضوع‌هایی از قبیل انگیزه‌های حرفه‌ای و شغلی، دوستیابی، علایق مشترک در حوزه‌های مختلف (سینما، ورزش و موسیقی)، زبان مشترک، ملیت مشترک، دین مشترک و غیره در فضای مجازی فعال هستند و هر کدام میلیون‌ها کاربر اینترنتی را جذب کرده‌اند. سایت‌های شبکه اجتماعی در سال‌های اخیر جایگاه چشمگیری در اینترنت پیدا کرده‌اند و به رده پربیننده‌ترین‌های فضای مجازی راه یافته‌اند.

۲-۳. پیامدها

تأثیرات و پیامدهای مثبت و منفی اینترنت به‌عنوان پدیده نوین در اجتماعات انسانی در حال گسترش است و هر روز صاحب‌نظران و رسانه‌ها نقش مثبت اینترنت در توسعه اقتصادی و نقش منفی آن را در توسعه فرهنگی مطرح می‌کنند. از جمله پیامدهای مثبت شبکه‌های اجتماعی مجازی می‌توان به: ۱. مدیریت زمان، ۲. اشتراک‌گذاری دانش، ۳. کارکرد اقتصادی، ۴. شکل‌گیری دولت الکترونیکی (جمالی و همکاران، ۱۳۹۵؛ جاوید و همکاران، ۱۳۹۶) اشاره کرد. همچنین از جمله پیامدهای منفی شبکه‌های اجتماعی مجازی می‌توان به: ۱. تحت فشار قرار گرفتن اعتقادهای مذهبی (رفیع‌پور، ۱۳۷۸)، ۲. فقدان جسمیت و مبتنی‌بر متن بودن (دریفوس،^۱ ۱۳۸۳)، ۳. شکل‌گیری هویت‌های متعدد (میرمحمدی و ساروخانی، ۱۳۹۱)،

1. Dryfus

۴. تشدید مصرف‌گرایی (یصحانی، ۱۳۸۱)، ۵. اعتیاد اینترنتی (معیدفر، حبیب‌پور گنجی و گنجی، ۱۳۸۴)، ۶. تغییر در ارزش‌ها (زنجان‌زاده، ۱۳۸۴) و ۷. تعمیق شکاف نسلی اشاره کرد (معمار، عدلی‌پور و خاکسار، ۱۳۹۱).

۴. چارچوب نظری تحقیق

برای تبیین نظری موضوع، از رویکرد نظم‌گرایان استفاده شده است که در چارچوب پارادایم واقعیت اجتماعی تعریف می‌شود. نظم‌گرایان به توافق ارزشی و میزان انطباق افراد با الگوهای فرهنگی و اجتماعی یا ارزش‌ها و هنجارهای موجود توجه نشان می‌دهند. بنابراین، توافق اجتماعی، نظم اجتماعی و مکانیسم‌ها و ابزارهای موجود در راه رسیدن به این نظم، وجه غالب این رویکرد نظری است. آگوست کنت، امیل دورکیم، تالکوت پارسونز و رابرت مرتن از جمله اندیشمندانی هستند که در ذیل این رویکرد به نظریه‌پردازی پرداخته‌اند (ریتزر، ۱۳۹۱؛ کرایب، ۱۳۹۳).

دورکیم جامعه را گروهی از انسان‌ها می‌داند که احساسات جمعی مشترک دارند. وی معتقد است انسان در بدو تولد، فاقد خصوصیات اجتماعی است و از این‌رو، مهم‌ترین امر در جامعه، آماده کردن افراد برای زندگی اجتماعی است؛ شیوه‌ای که جامعه اعضایش را با عقاید، احساسات جمعی، ارزش‌ها و الگوهای زندگی جمعی آشنا می‌سازد. شیوه‌های اجتماعی کردن اعضا در جوامع مختلف (مکانیکی و ارگانیکی) متفاوت است. در جوامع با همبستگی مکانیکی، اجتماعی کردن عموماً برعهده خانواده و اجتماع نزدیک فرد است، حال آنکه در همبستگی ارگانیکی، نهادهای ثانویه مانند مدرسه نقش مهم و اساسی در اجتماعی کردن انسان‌ها دارند (ریتزر، ۱۳۹۱: ۱۵۲-۱۵۱).

به‌زعم پارسونز، کنش‌های اجتماعی در محیطی شکل می‌گیرد که فرد، با وجود برخورداری از قدرت اراده و انتخاب در وسایل و راه‌ها، تحت تأثیر «جبرهای اجتماعی» و

نظام فرهنگی جامعه قرار دارد. از این منظر، نقش خرده‌نظام فرهنگی جامعه بسیار حائز اهمیت است که وظیفه «حفظ و نگهداشت الگوهای فرهنگی» را از طریق مکانیسم‌های جامعه‌پذیری برعهده دارد. فرهنگ در این فرایند، میانجی کنش متقابل میان کنشگران است و در نظام اجتماعی به‌صورت هنجارها و ارزش‌ها تجسم می‌یابد. به بیان دقیق‌تر، مهم‌ترین کارکرد این خرده‌نظام، «پایداری الگو» و تداوم حیات نظام اجتماعی از طریق فرایند اجتماعی شدن است (ابوالحسن تنهایی، ۱۳۹۴؛ ریتزر، ۱۳۹۱).

با این حال، کارآمدی مکانیسم‌های جامعه‌پذیری هنگامی با چالش مواجه می‌شود که «تجربه زیسته نسلی» به‌عنوان عاملی قدرتمند در شکل‌دهی به هویت و ارزش‌ها ظهور کند. براساس مفهوم‌سازی مانهایم، نسل متشکل از افرادی است که در یک دوره تاریخی مشترک متولد شده و تحت تأثیر رویدادها و تحولات اجتماعی-فناورانه یکسانی قرار گرفته‌اند. نسل نوجوان و جوان کنونی که دوران شکل‌گیری شخصیت آنان با گسترش پرشتاب فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی همراه بوده، از طریق این «تجربه مشترک نسلی»، در معرض ارزش‌ها، هنجارها و الگوهای فرهنگی جدیدی قرار گرفته است. این وضعیت، در صورت عدم مدیریت صحیح نهادهای جامعه‌پذیرکننده، می‌تواند به شکل‌گیری هویت و ارزش‌های متمایز و حتی متعارض با نسل پیشین منجر شود و شکاف نسلی را عمق بخشد.

در مواجهه با این چالش، چارچوب نظری نظم‌گرایان و به‌ویژه آرای پارسونز، راه‌حل را در تقویت کارکرد نهادها و «بازتولید فرهنگی هدفمند» می‌داند. بنابراین، این پژوهش بر این پیش‌فرض استوار است که فرهنگ و نظام فرهنگی جامعه، با به‌کارگیری هوشمندان و کارآمد مکانیسم‌های جامعه‌پذیری در نهادهای اصلی (خانواده، آموزش، رسانه، دین و سیاست)، می‌تواند با نهادینه کردن الگوهای فرهنگی جامعه «خودی» در نسل جوان، نقش تعیین‌کننده‌ای در کاهش شکاف نسلی، تقویت

انسجام اجتماعی و هدایت تحولات فرهنگی ایفا کند. بر این اساس، مدل مطلوب راهکارهای پیشگیری از شکاف نسلی که در این پژوهش طراحی می‌شود، ذیل این چارچوب نظری قابل تبیین و تحلیل است.

۵. روش تحقیق

تحقیق حاضر به‌لحاظ ماهیت پژوهش اکتشافی، به‌لحاظ نوع پژوهش، کاربردی و به‌لحاظ راهبرد پژوهش کیفی و از نوع تحلیل مضمون بوده است. به تعبیر بویاتزیس^۱ (۱۹۹۸) مضمون، الگویی است که در داده‌ها یافت می‌شود. لذا تحلیل مضمون روشی برای شناسایی، تحلیل و گزارش الگوهای درون داده‌های متنی قلمداد می‌شود. بالاین‌حال، اغلب اوقات فراتر از این می‌رود و جنبه‌های مختلف موضوع تحقیق را تفسیر می‌کند (Braun and Clarke, 2006: 83).

تحلیل مضمون به روش‌های مختلف صورت می‌گیرد که در این تحقیق از روش شبکه مضمون برای نشان دادن ارتباط و وابستگی مضامین با انجام فرایند کدگذاری نظری در سه مرحله کدگذاری باز، محوری و انتخابی (گزینشی) به‌منظور احصا و کشف مضامین پایه، سازمان‌یافته و فراگیر در راستای طراحی مدل مطلوب راهکارهای مقابله‌ای شکاف نسلی در تعامل با شبکه‌های اجتماعی مجازی استفاده شده است. شبکه مضامین که آتراید استرلینگ^۲ (۲۰۰۱: ۳۸۸) توسعه داده، به‌گونه‌ای است که مضامین‌های مختلف را برحسب جایگاهشان در شبکه مضمون نشان می‌دهد که به‌صورت شبکه وب است. برای دستیابی به شبکه مضامین براساس رویکرد استرلینگ باید مراحل ذیل انجام شود: الف) کشف مضامین اصلی یا پایه‌ای (شناسه‌ها و نکات

1. Boyatzis

2. Attride Sterling

کلیدی متن)، ب) کشف مضمون‌های سازمان‌یافته (مضامین به‌دست آمده از تلخیص و ترکیب مضمون‌های پایه) و ج) کشف مضمون‌های فراگیر (مضامین عالی دربرگیرنده اصول حاکم بر متن به‌عنوان یک کل). بعد از طی این مراحل، مضمون‌های به‌دست آمده به‌صورت نقشه‌های شبکه وب ترسیم می‌شود که در آن مضامین برجسته همراه با روابط میان آنها نشان داده می‌شود. مضامین فراگیر در کانون شبکه مضامین قرار می‌گیرد؛ مضامین سازمان‌یافته واسط مضامین فراگیر و مضامین پایه‌ای شبکه است. مضامین پایه مبین نکته مهمی در متن است و با ترکیب آنها مضمون سازمان‌یافته ایجاد می‌شود (همان). مرحله‌ای که از منظر رویکرد آتراید استرلینگ (۲۰۰۱) برای یافتن شبکه مضمون باید طی شود به شرح جدول ۱ است.

جدول ۱. مراحل تنظیم و دستیابی به شبکه مضمون

مرحله تحلیلی	گام	اقدام
مرحله اول: کوچک کردن متن	گام اول: کدگذاری	تهیه یک چارچوب کدگذاری
		تجزیه متن به پاره گفتارها با استفاده از چارچوب کدگذاری
	گام دوم: شناخت مضامین	انتزاع مضامین از پاره گفتارها
		تصحیح مضامین
	گام سوم: ساختن شبکه مضمون	منظم کردن مضامین
		یافتن مضامین پایه‌ای
		بازآرایی مضامین پایه‌ای برای یافتن مضامین سازمان‌دهنده
		استخراج مضامین فراگیر
		ترسیم شبکه مضمون
		بازبینی و تصحیح شبکه مضمون

مرحله تحلیلی	گام	اقدام
مرحله دوم: اکتشاف متن	گام چهارم: توصیف و کشف شبکه‌های مضمونی	
	گام پنجم: خلاصه کردن شبکه‌های مضمونی	
مرحله سوم: یکپارچه‌سازی اکتشافها	گام ششم: توصیف الگوها	

مأخذ: یافته‌های تحقیق.

بنابراین با توجه به مطالب فوق، به‌منظور طراحی مدل مطلوب راهکارهای مقابله‌ای شکاف نسلی در تعامل با شبکه‌های اجتماعی مجازی با ۲۱ نفر از خبرگان و صاحب‌نظران حوزه مطالعات نسلی که از طریق روش نمونه‌گیری غیرتصادفی هدفمند انتخاب شده بودند؛ مصاحبه نیمه‌ساخت‌یافته انجام شده است. برای تحلیل داده‌های حاصل از کدگذاری نظری (شامل کدگذاری باز، محوری و گزینشی) در راستای کشف و شناسایی مضامین پایه‌ای، سازمان‌یافته و فراگیر و بر ساختن مدل مطلوب راهکارهای مقابله‌ای شکاف نسلی در تعامل با شبکه‌های اجتماعی مجازی استفاده شده است.

علاوه بر آن، برای اعتبارسنجی (قابلیت اطمینان و باورپذیری) یافته‌های مطالعه کیفی تحقیق از دو روش: الف) ارزیابی اعتبار به شیوه ارتباطی (رجوع به مصاحبه‌شوندگان) و نیز ب) روش ممیزی (رجوع به اساتید و صاحب‌نظران) استفاده شده است (فلیک،^۱ ۱۳۹۴: ۴۱۵-۴۱۶). همچنین برای پایایی سنجی از دو روش؛ قابلیت تکرارپذیری (با ضریب پایایی و توافق درونی بین دو کدگذار- محقق با محقق همکار- در فرایند کدگذاری و رفع ناهماهنگی‌های به‌وجود آمده)^۲ و قابلیت انتقال

1. Felik

۲. به‌این‌ترتیب که: $\text{پایایی} = \frac{2M}{N_1+N_2}$ $\text{پایایی} = \frac{2M}{N_1+N_2}$ در فرمول فوق، M تعداد موارد مشترک کدگذاری شده بین دو

طراحی مدل مطلوب راهکارهای پیشگیری از شکاف نسلی در تعامل مخاطبان با شبکه‌های اجتماعی - ۱۵۷

یا تعمیم‌پذیری (از طریق انجام روش نمونه‌گیری نظری به‌صورت منظم و جامع از سطوح مختلف نخبگانی) استفاده شده است (ساروخانی، ۱۳۹۳: ۲۸۹؛ استراوس و کوربین،^۱ ۲۰۱۸: ۲۸۴-۲۸۳). جدول ۲ مشخصات مصاحبه‌شوندگان در مطالعه کیفی را نشان می‌دهد.

جدول ۲. مشخصات مصاحبه‌شوندگان

ردیف	جنس	تحصیلات	سن تقریبی	شغل	رشته تحصیلی
۱	مرد	دکتری تخصصی	۶۷	استاد	جامعه‌شناسی
۲	مرد	دکتری تخصصی	۵۵	دانشیار	علوم سیاسی
۳	مرد	دکتری تخصصی	۵۴	دانشیار	علوم سیاسی
۴	مرد	دکتری تخصصی	۴۸	استادیار	جامعه‌شناسی سیاسی
۵	زن	دکتری تخصصی	۴۷	معلم	روان‌شناسی بالینی
۶	زن	دکتری تخصصی	۴۱	استادیار	جامعه‌شناسی
۷	مرد	دکتری تخصصی	۳۹	مدرس مدعو دانشگاه	علوم سیاسی
۸	مرد	دکتری تخصصی	۴۵	مدرس مدعو دانشگاه	جامعه‌شناسی
۹	زن	دکتری تخصصی	۳۸	مدیر صدا و سیما	علوم ارتباطات اجتماعی
۱۰	زن	دکتری تخصصی	۴۴	کارشناس پژوهش	جامعه‌شناسی
۱۱	زن	دکتری تخصصی	۳۷	معلم	روان‌شناسی بالینی
۱۲	مرد	دکتری تخصصی	۳۹	پژوهشگر	تاریخ هنر

کدگذار است که در مورد آنها توافق وجود داشته است و N1 و N2 به‌ترتیب تعداد کلی موارد کدگذاری شده با کدگذار اول و دوم است، میزان پایایی بیشتر از ۰/۷ و یا ۷۰ درصد قابل قبول است. بنابراین با توجه به فرمول فوق، ضریب پایایی برابر با ۰/۸۶ بوده است.

1. Astrauss and Karbin

ردیف	جنس	تحصیلات	سن تقریبی	شغل	رشته تحصیلی
۱۳	مرد	دکتری تخصصی	۵۳	استادیار	روان‌شناسی عمومی
۱۴	زن	دکتری تخصصی	۵۸	معلم	جامعه‌شناسی
۱۵	مرد	دکتری تخصصی	۴۹	پژوهشگر	علوم سیاسی
۱۶	زن	دکتری تخصصی	۴۰	معلم	
۱۷	زن	دکتری تخصصی	۳۸	کارشناس رسانه	مدیریت رسانه
۱۸	مرد	دکتری تخصصی	۳۷	تهیه‌کننده تلویزیونی	علوم ارتباطات
۱۹	زن	دکتری تخصصی	۴۶	خبرنگار	علوم ارتباطات
۲۰	مرد	دکتری تخصصی	۵۱	مترجم	جامعه‌شناسی نظری
۲۱	زن	دکتری تخصصی	۵۹	استاد تمام	علوم ارتباطات
جمع: ۲۱ نفر		زن: ۱۰ نفر مرد: ۱۱ نفر			

مرحله اول: تجزیه متن

گام اول: تهیه یک چارچوب کدگذاری و تجزیه متن به جملات کلیدی با استفاده از چارچوب کدگذاری

در مرحله اول یک چارچوب برای کدگذاری در نظر گرفته شده است و آن توصیف، تفسیر و اظهارنظرهای مصاحبه‌شوندگان پیرامون سؤال‌های مصاحبه نیمه‌ساخت یافته مرتبط با پدیده مورد بررسی بوده است که به صورت برجسته، کلیدی و تأییدات متعدد به کار گرفته شده است. لذا بر این اساس متن استخراجی از مصاحبه به پاره جملات کلیدی یا گفتارهای خبری برجسته تبدیل شده است.

گام دوم: شناخت مضامین

در این مرحله به هریک از جملات کلیدی یا گفتارهای خبری برجسته، کد یا مضمونی الحاق شده است. این مضامین بعدها مورد پالایش و تصحیح قرار گرفته است.

گام سوم: ساختن شبکه مضمون

در بخش اول از ساختن شبکه مضمون، یافتن و منظم کردن مضامین پایه‌ای از جملات کلیدی یا گفتارهای خبری برجسته است که به تناوب مصاحبه‌شوندگان مورد استفاده قرار داده‌اند و به اصطلاح به اشباع نظری رسیده است. بنابراین در مرحله کدگذاری باز، ۵۵ مضامین پایه‌ای یا همان شناسه‌ها و نکات کلیدی به شرح جدول ۳ شناسایی شده است.

در بخش‌های بعدی از ساختن شبکه مضمون، ابتدا در ذیل کدگذاری محوری نسبت به بازآرایی مضامین پایه‌ای برای یافتن مضامین سازمان‌یافته اقدام شده است؛ یعنی با تلخیص و ترکیب مضامین پایه‌ای، مضامین سازمان‌یافته شناسایی و احصا شد. در این مرحله ۱۴ مضمون سازمان‌یافته شناسایی و سپس در ذیل کدگذاری گزینشی یا انتخابی، مضامین فراگیر با تلخیص و ترکیب مضامین سازمان‌یافته شناسایی و احصا شد. بنابراین در ذیل کدگذاری گزینشی، پنج مضمون فراگیر شناسایی و احصا شد (جدول ۳).

جدول ۳. فرایند کدگذاری نظری برای کشف مضامین سازمان یافته و فراگیر مدل مطلوب

کدگذاری باز	کدگذاری محوری	کدگذاری گزینشی (انتخابی)
مضامین پایه‌ای	مضامین سازمان یافته	مضامین فراگیر
اهتمام در تربیت صحیح دانش‌آموزان	توجه و تقویت آموزش نسلی	
اهمیت قائل شدن برای تعلیم و تربیت از طریق آموزش و پرورش		
کاهش اختلاف و تفاوت نگرشی بین نسل‌ها با آموزش		
کم کردن شکاف آگاهی بین نسل جدید و نسل قدیم		
نهادینه کردن فرهنگ نقدپذیری در نسل‌ها	استفاده از ظرفیت‌های علوم و نخبگان علمی در حوزه نسلی	عملکرد صحیح نهاد آموزش در مناسبات نسلی
نقش نخبگان علمی در کاهش اختلاف‌های نسلی		
استفاده از دانش روان‌شناختی در جهت‌دهی درست به افکار		
بهره‌گیری از ظرفیت‌های علوم اجتماعی در حوزه نسلی		
انجام مطالعات و تحقیقات علمی در حوزه نسلی	تقویت و ارتقای سواد رسانه‌ای	
آموزش صحیح استفاده از فناوری‌های نوین به نسل جوان		
برنامه‌ریزی برای افزایش سطح سواد رسانه‌ای افراد جامعه		
ایجاد فرصت‌ها برای گفتگوهای بین‌نسلی	تقویت تعامل گفتمانی در محیط خانواده	
ممانعت از تحمیل عقاید بر فرزندان		
داشتن خواسته‌های منطقی در خانواده		
نهادینه کردن فرهنگ گفتگو در محیط خانواده		
داشتن احترام و درک متقابل در خانواده	تقویت تعامل عاطفی در محیط خانواده	عملکرد صحیح نهاد خانواده در مناسبات نسلی
داشتن صداقت در محیط خانواده		
تقویت صمیمیت در محیط خانواده		
تقویت درک متقابل جوانان و بزرگ‌ترها		
احترام نسبت به آگاهی و دانایی نسل‌ها در نهاد خانواده		

کدگذاری گزینشی (انتخابی)	کدگذاری محوری	کدگذاری باز
عملکرد صحیح نهاد خانواده در مناسبات نسلی	تقویت تعامل مبادله‌ای در محیط خانواده	اخذ تصمیم جمعی در محیط خانواده
		توجه به فرزندپروری صحیح در محیط خانواده
		آموزش صحیح فرزندان ازسوی والدین
عملکرد صحیح نهاد رسانه در مناسبات نسلی	آموزش نسل‌ها از طریق رسانه‌های سنتی و مجازی	آموزش نسل‌ها از طریق رسانه‌های جمعی
		آموزش نسل جدید با رسانه‌های نوین
	با اهمیت بودن نقش صدا و سیما	آموزش خانواده‌ها ازسوی تلویزیون
		مهم بودن نقش صدا و سیما در تقویت اشتراکات نسلی
		تقویت محتوای رسانه ملی
		تقویت فرهنگ دینی
عملکرد صحیح نهاد دین در حوزه مناسبات نسلی	نهادینه کردن هویت دینی	سوق دادن جوانان به اخلاقیات و معنویت
		تقویت و تشویق آیین‌های ملی - مذهبی ازسوی مسئولان
	تقویت عناصر دینی - ملی ازسوی نهادهای متولی	تقویت باورهای دینی در نسل جوان از طریق نهادهای دینی
		مقابله با تحجر و افراط‌گرایی دینی
		توجه به آزادی‌های مدنی در جامعه
عملکرد صحیح نهاد سیاست در حوزه مناسبات نسلی	تقویت تکثرگرایی وحدت‌محور در جامعه	تقویت دموکراسی در جامعه
		مقابله با سیاست‌زدگی
		رفع محدودیت‌های غیرضروری در جامعه
		تقویت دانش و نگرش سیاسی مردم ازسوی احزاب
		به رسمیت شناختن امکان فعالیت‌های قانونی احزاب در جامعه
	تقویت درک عدالت اجتماعی در شهروندان	توزیع منصفانه برخورداری‌های اجتماعی و اقتصادی در جامعه
		تقویت پایه‌های عدالت اجتماعی در جامعه ازسوی مسئولان
		تقویت عدالت توزیعی در جامعه
		تأمین رفاه اجتماعی شهروندان ازسوی مسئولان

کدگذاری باز	کدگذاری محوری	کدگذاری گزینشی (انتخابی)
تغییر نگرش نسل‌ها از فرهنگ تجمل‌گرایی	تأمین نیازهای نسل جوان با توجه به فرهنگ خودی	عملکرد صحیح نهاد سیاست در حوزه مناسبات نسلی
برنامه‌ریزی برای مقابله با فرهنگ مصرف‌گرایی		
استفاده از الگوهای قابل اعتماد		
انتقال صحیح عناصر و ارزش‌های ملی		
تلاش در راستای انتقال صحیح سنت‌های فرهنگی به نسل جوان		
تقویت هویت اجتماعی خودی		
نهادینه‌سازی فرهنگ کهن و خودی در تمامی نسل‌ها		
آشنا کردن نسل جوان با تغییرات فرهنگی و پیامدهای آن	تقویت سرمایه اجتماعی بین‌نسل‌ها	
تقویت اعتماد بین‌نسلی		
تقویت و ارتقای حس مسئولیت‌پذیری در میان نسل‌ها		
تقویت روحیه همکاری نسل‌ها در عرصه‌های اجتماعی		
تقویت همکاری افراد در مراسم و اعیاد مختلف ملی		

مأخذ: همان.

پس از احصا و استخراج مضامین فراگیر، سازمان‌یافته و پایه‌ای مدل مطلوب راهکارهای مقابله‌ای شکاف نسلی، به ترسیم مدل مفهومی پژوهش یا همان تشکیل شبکه مضامین مدل مطلوب مقابله‌ای با شکاف نسلی در تعامل با شبکه‌های اجتماعی مجازی در ذیل شکل ۱ مبادرت شده است.

طراحی مدل مطلوب راهکارهای پیشگیری از شکاف نسلی در تعامل مخاطبان با شبکه‌های اجتماعی - ۱۶۳

شکل ۱. مدل مطلوب شبکه مضامین راهکارهای مقابله‌ای شکاف نسلی در تعامل با شبکه‌های اجتماعی مجازی براساس مضامین سازمان‌یافته و فراگیر



مأخذ: یافته‌های تحقیق.

مرحله دوم: اکتشاف متن

پس از ترسیم شبکه مضمون ذیل شکل ۱ در مرحله اکتشاف متن و نیز گام‌های چهارم و پنجم به توصیف و کشف شبکه مضمون و نیز خلاصه کردن آن مبادرت شده است. بنابراین براساس مدل شبکه‌ای مضامین، راهکارهای مقابله‌ای شکاف نسلی در تعامل با شبکه‌های اجتماعی مجازی می‌توان چنین گفت که راهکارهای مقابله‌ای شکاف نسلی از پنج مضمون فراگیر شامل: عملکرد صحیح نهاد آموزش، خانواده،

رسانه، دین و سیاست در حوزه مناسبات نسلی تشکیل شده است. در این میان:

۱. مضمون فراگیر عملکرد صحیح نهاد آموزش در حوزه مناسبات نسلی خود از سه مضمون سازمان‌یافته: الف) توجه و تقویت آموزش نسلی، ب) استفاده از ظرفیت‌های علوم و نخبگان علمی در حوزه نسلی و ج) تقویت و ارتقای سواد رسانه‌ای تشکیل شده است. به این ترتیب برای اینکه نهاد آموزش بتواند در مناسبات نسلی عملکرد صحیح داشته باشد؛ باید اولاً نسبت به آموزش نسلی توجه جدی داشته باشد. ثانیاً از ظرفیت‌های علوم و نخبگان علمی در حوزه نسلی استفاده کند. ثالثاً به واسطه برنامه‌ریزی و آموزش صحیح استفاده از فناوری‌های نوین به نسل جوان نسبت به تقویت و ارتقای سواد رسانه‌ای اهتمام جدی داشته باشد.

۲. مضمون فراگیر عملکرد صحیح نهاد خانواده در حوزه مناسبات نسلی خود از سه مضمون سازمان‌یافته: الف) تقویت تعامل گفتمانی در محیط خانواده، ب) تقویت تعامل عاطفی در محیط خانواده و ج) تقویت تعامل مبادله‌ای در محیط خانواده تشکیل شده است. بدین ترتیب برای اینکه نهاد خانواده بتواند در مناسبات نسلی عملکرد صحیح داشته باشد؛ باید اولاً با داشتن خواسته‌های منطقی در خانواده، ممانعت از تحمیل عقاید بر فرزندان، ایجاد فرصت‌هایی برای گفتگوهای بین‌نسلی در محیط خانواده اقدام کند. ثانیاً از طریق داشتن احترام و درک متقابل در خانواده نسبت به تقویت تعامل عاطفی در محیط خانواده اهتمام ورزد. ثالثاً با آموزش، توجه به فرزندپروری صحیح در محیط خانواده به تقویت تعامل مبادله‌ای در محیط خانواده بپردازد.

۳. مضمون فراگیر عملکرد صحیح نهاد رسانه در حوزه مناسبات نسلی خود از دو مضمون سازمان‌یافته: الف) با اهمیت بودن نقش صدا و سیما و ب) آموزش

نسل‌ها از طریق رسانه‌های سنتی و مجازی تشکیل شده است. بدین ترتیب برای اینکه نهاد رسانه بتواند در مناسبات نسلی عملکرد صحیح داشته باشد؛ باید اولاً از طریق آموزش نسل‌ها با رسانه‌های سنتی و مجازی مبادرت ورزد و ثانیاً صدا و سیمای ملی به دلیل گستره نفوذش در سطح کشور با تولید محتوا در زمینه مناسبات نسلی به آموزش خانواده‌ها پردازد.

۴. مضمون فراگیر عملکرد صحیح نهاد دین در حوزه مناسبات نسلی خود از دو مضمون سازمان‌یافته: الف) نهادینه کردن هویت دینی و ب) تقویت عناصر دینی- ملی ازسوی نهادهای متولی تشکیل شده است. بدین ترتیب برای اینکه نهاد دین بتواند در مناسبات نسلی عملکرد صحیح داشته باشد؛ باید اولاً از طریق تقویت فرهنگ دینی، سوق دادن جوانان به اخلاقیات و معنویت به نهادینه کردن هویت دینی پردازد و ازسوی دیگر با تقویت باورهای دینی در نسل جوان از طریق نهادهای دینی و نیز تقویت و تشویق آیین‌های ملی- مذهبی ازسوی مسئولان، به تقویت عناصر دینی- ملی اقدام کند.

۵. مضمون فراگیر عملکرد صحیح نهاد سیاست در حوزه مناسبات نسلی خود از چهار مضمون سازمان‌یافته: الف) تقویت تکثرگرایی وحدت‌محور در جامعه، ب) تقویت درک عدالت اجتماعی در شهروندان، ج) تأمین نیازهای نسل جوان با توجه به فرهنگ خودی و د) تقویت سرمایه اجتماعی بین‌نسل‌ها تشکیل شده است. بدین ترتیب برای اینکه نهاد سیاست بتواند در مناسبات نسلی عملکرد صحیح داشته باشد؛ باید اولاً با توجه به آزادی‌های مدنی در جامعه، تقویت دموکراسی در جامعه، مقابله با سیاست‌زدگی، رفع محدودیت‌های غیرضروری در جامعه، تقویت دانش و نگرش سیاسی مردم ازسوی احزاب و به‌رسمیت شناختن امکان فعالیت‌های قانونی احزاب در جامعه نسبت به تقویت تکثرگرایی

وحدت‌محور در جامعه اهتمام جدی داشته باشد. ثانیاً از طریق توزیع منصفانه برخورداری‌های اجتماعی و اقتصادی در جامعه و نیز تأمین رفاه اجتماعی برای همه شهروندان ازسوی مسئولان به تقویت درک عدالت اجتماعی در شهروندان بپردازد. ثالثاً نسبت به تأمین نیازهای نسل جوان با توجه به فرهنگ خودی از طریق تلاش در راستای انتقال صحیح سنت‌های فرهنگی به نسل جوان مبادرت کند. خامساً با تقویت اعتماد بین‌نسلی، تقویت و ارتقای حس مسئولیت‌پذیری در میان نسل‌ها، تقویت روحیه همکاری نسل‌ها در عرصه‌های مختلف اجتماعی خاصه در مراسم و اعیاد مختلف ملی نسبت به تقویت سرمایه اجتماعی بین‌نسل‌ها اهتمام ورزد.

مرحله سوم: یکپارچه‌سازی اکتشاف‌ها

در مرحله آخر از تحلیل شبکه مضمون که به یکپارچه‌سازی اکتشاف‌های مضمونی اختصاص دارد؛ ذیل گام ششم به توصیف الگوها پرداخته می‌شود. لذا براساس مضامین پایه‌ای، سازمان‌یافته نو فراگیر شناسایی و احصا شده می‌توان چنین استنتاج کرد که مدل مطلوب راهکارهای مقابله‌ای شکاف نسلی در تعامل با شبکه‌های اجتماعی مجازی، مناسب‌ترین راهکار را عملکرد صحیح مکانیسم‌های جامعه‌پذیری ذیل خرده نظام فرهنگی جامعه می‌داند که وظیفه حفظ و نگهداشت الگوهای فرهنگی را در جامعه برعهده دارد. لذا همان‌گونه که در ذیل چارچوب نظری و براساس رویکرد نظم‌گرایان خاصه اندیشه‌های دورکیم و پارسونز نیز اشاره شده است؛ خرده نظام فرهنگی با نهادینه کردن الگوهای فرهنگی و اجتماعی جامعه خودی به نسل جوان که از نهاد خانواده تا نهاد سیاست امتداد دارد؛ می‌تواند نقش بسزایی در تثبیت و تقویت الگوهای فرهنگی جامعه خودی در نسل جوان داشته باشد.

۶. جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

در یک جمع‌بندی نهایی از منظر رویکرد نظری نظم‌گرایان خاصه پارسونز درباره راهکارهای مقابله‌ای شکاف نسلی در تعامل با شبکه‌های اجتماعی مجازی می‌توان چنین گفت که از منظر تالکوت پارسونز، نظام اجتماعی دارای چهار کارکرد حفظ و نگهداشت الگوهای فرهنگی، دستیابی به اهداف، یکپارچگی و نیز انطباق‌پذیری است که به ترتیب فرهنگ، سیاست، خرده نظام اجتماعی و نیز خرده نظام سیاسی عهده‌دار آن است. در این میان خرده نظام فرهنگی که وظیفه حفظ و نگهداشت الگوهای فرهنگی را عهده‌دار است؛ از طریق عملکرد صحیح مکانیسم‌های جامعه‌پذیری می‌تواند از بروز شکاف نسلی در تعامل با شبکه‌های اجتماعی مجازی مانع شود. بدین ترتیب:

۱. نهاد آموزش به‌منظور اثربخشی در حوزه نسلی و کاهش شکاف نسلی باید ضمن تقویت آموزش نسلی و نیز ارتقای سواد رسانه‌ای نسل جدید با استفاده از ظرفیت‌های علوم و نخبگان علمی در حوزه نسلی به انجام آموزش و مطالعات علمی در این حوزه اقدام کند.

۲. نهاد خانواده به‌منظور اثربخشی در حوزه نسلی و کاهش شکاف نسلی باید به تقویت سرمایه اجتماعی و تقویت تعاملات اظهاری در قالب تقویت تعاملات گفتمانی، مبادله‌ای و عاطفی در محیط خانواده پردازد.

۳. نهاد رسانه به‌منظور اثربخشی در حوزه نسلی و کاهش شکاف نسلی باید به آموزش نسل‌ها با استفاده از ظرفیت رسانه‌های نوشتاری، دیداری و شنیداری سنتی و مجازی اقدام کند. رسانه ملی با توجه به برد مخاطبان خود در این زمینه می‌تواند با تأکید بر مؤلفه‌های فرهنگی، اجتماعی و تاریخی مقوم اشتراکات بین‌نسلی نقش اساسی ایفا کند.

۴. نهاد دین به‌منظور اثربخشی در حوزه نسلی و کاهش شکاف نسلی باید نسبت به تقویت عناصر دینی - ملی و نهادینه کردن هویت دینی در اشکال شناختی، احساسی و ارزشی اقدام کند.

۵. نهاد سیاست به‌منظور اثربخشی در حوزه نسلی و کاهش شکاف نسلی باید ضمن تقویت تکثرگرایی وحدت‌محور در جامعه و تأمین نیازهای نسل جوان با توجه به فرهنگ خودی، توزیع منابع و فرصت‌ها و نیز اعمال رویه‌ها و تعاملات منصفانه در جامعه با اعتمادی که در دو سطح عمودی و افقی ایجاد می‌کند؛ به تقویت سرمایه اجتماعی بین نسل‌ها مبادرت ورزد.

طراحی مدل مطلوب راهکارهای پیشگیری از شکاف نسلی در تعامل مخاطبان با شبکه‌های اجتماعی - ۱۶۹

منابع و مآخذ

۱. آزاد ارمکی، تقی (۱۳۷۹). «بررسی تحولات اجتماعی و فرهنگی در طول سه نسل خانواده‌های تهرانی». نامه علوم اجتماعی، دوره ۱، ش ۱۶.
۲. _____ (۱۳۸۶). «فرایند تغییر نسلی: فراتحلیلی در ایران»، مجله جوانان و مناسبات نسلی، ش ۱.
۳. آزاد ارمکی، تقی و غلامرضا غفاری (۱۳۸۳). جامعه‌شناسی نسلی در ایران، تهران، پژوهشکده علوم انسانی و اجتماعی جهاد دانشگاهی.
۴. آزاد ارمکی، تقی و احمد غیاثوند (۱۳۸۳). جامعه‌شناسی تغییرات فرهنگی در ایران، تهران، انتشارات آن.
۵. آزادی‌نژاد، محمدرضا (۱۳۹۲). «بررسی تأثیر رسانه‌های الکترونیکی (اینترنت) در ایجاد شکاف نسلی بین فرزندان و والدین خانواده‌های تهرانی»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، تهران، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران شرق.
۶. ابوالحسن تنهایی، حسین (۱۳۹۴). نظریه‌های جامعه‌شناسی، مشهد، نشر مرنديز.
۷. احمدی، آرمان و پویان‌احیایی (۱۳۹۲). «بررسی شکاف نسلی و عوامل مرتبط با آن (مورد مطالعه: دانش‌آموزان دوره متوسطه شهرستان سراب)»، جامعه‌پژوهی فرهنگی، سال چهارم، ش ۴.
۸. استراوس، انسلم و جولیت کوربین (۲۰۱۸). مبانی تحقیق کیفی (فنون و مراحل تولید نظریه زمینه‌ای)، ترجمه ابراهیم افشار، تهران، نشر نی.
۹. اینگلهارت، رونالد (۱۳۷۳). تحول فرهنگی در جامعه پیشرفته صنعتی، ترجمه مریم وتر، تهران، انتشارات کویر.
۱۰. جانعلیزاده چوب‌بستی، حیدر و محمدرضا سلیمانی بشلی (۱۳۹۰). «شکاف نسلی: توهم یا واقعیت؟»، مجله جامعه‌شناسی، سال اول، ش ۱.
۱۱. جاوید، سنا، رضا صدری، حبیب‌اله سالارزهی و الهام نوروزی چشمه‌علی (۱۳۹۶). «شناسایی و اولویت‌بندی آثار و پیامدهای منفی استفاده از شبکه‌های اجتماعی مجازی با رویکرد تحلیل سلسله‌مراتبی فازی (مطالعه‌ای موردی از دیدگاه دانشجویان دانشگاه سیستان و بلوچستان)»، فرهنگ، سال هفتم، ش ۲.

۱۲. جمالی، زیبا، عمران خسروی، بهزاد احمدیان، فاطمه رئیسی، علی دهاز و مرجان بیات‌نیا (۱۳۹۵). «بررسی تأثیرات مثبت و منفی شبکه‌های اجتماعی بر خانواده‌ها»، مجموعه کامل آثار و مقالات برگزیده نهمین کنگره پیشگامان پیشرفت.
۱۳. حسینی، حکیمه‌سادات و ملیحه اصغری (۱۴۰۲). «شناسایی مؤلفه‌های تأثیرگذار بر شکاف نسلی و ارائه راهکار در نظام آموزش و پرورش»، فصلنامه پیشرفت‌های نوین در مدیریت آموزشی، ش ۱۲.
۱۴. حضرتی صومعه، زهرا و محمد رحیمی (۱۳۹۴). «بررسی جامعه‌شناختی رابطه رسانه‌های جدید و شکاف بین‌نسلی در بین جوانان ۲۰-۲۸ ساله و والدینشان»، مطالعات راهبردی ورزش و جوانان، دوره ۱۴، ش ۳۰.
۱۵. خالقی‌فر، مجید (۱۳۸۱). «بررسی نظام ارزشی (ارزش‌های مادی/فرامادی) دانشجویان دانشگاه‌های تهران و شناسایی عوامل مؤثر بر آن به‌همراه روابط آن با برخی از نشانگان فرهنگی»، تهران، دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه شهید بهشتی.
۱۶. دانش، پروانه و همکاران (۱۳۹۳). «تحلیل جامعه‌شناختی شکاف نسلی در ایران»، جامعه‌پژوهی فرهنگی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، سال پنجم، ش ۳.
۱۷. دریفوس، هیوبرت (۱۳۸۳). نگاهی فلسفی به اینترنت، ترجمه علی ملائکه، تهران، انتشارات گام نو.
۱۸. رحیمی، محمد (۱۳۹۰). «عوامل اجتماعی مؤثر بر شکاف نسلی (مطالعه موردی: شهر خلخال)»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز.
۱۹. رفیع‌پور، فرامرز (۱۳۷۸). وسایل ارتباط جمعی و تغییر ارزش‌های اجتماعی، تهران، نشر کتاب فرا.
۲۰. ریتزر، جورج (۱۳۹۱). نظریه جامعه‌شناسی در دوران معاصر، مترجم محسن ثلاثی، چاپ هفدهم، تهران، انتشارات علمی.
۲۱. زنجانی‌زاده، هما (۱۳۸۴). «بررسی تأثیر اینترنت بر ارزش‌های خانواده در بین دانش‌آموزان»، مجله انجمن جامعه‌شناسی ایران، دوره ۶، ش ۲.
۲۲. ساروخانی، باقر و مجتبی صدافتی‌فرد (۱۳۸۸). «شکاف نسلی در خانواده‌های ایرانی: دیدگاه‌ها و بینش‌ها»، پژوهشنامه علوم اجتماعی، سال سوم، ش ۴.

- طراحی مدل مطلوب راهکارهای پیشگیری از شکاف نسلی در تعامل مخاطبان با شبکه‌های اجتماعی - ۱۷۱
۲۳. ساروخانی، باقر (۱۳۹۳). *روش‌های تحقیق در علوم اجتماعی: اصول و مبانی*، جلد اول، چاپ هجدهم، تهران، مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
۲۴. شالچی، بهزاد و صبا کلاهی حامد (۱۳۹۷). «ارتباط ساختاری شکاف میان‌نسلی با اعتیاد به اینترنت در میان جوانان»، فصلنامه *خانواده و پژوهش*، دوره ۱۵، ش ۳.
۲۵. شرفی، محمدرضا (۱۳۸۲). «مؤلفه‌ها و عوامل گسست نسل‌ها»، مجموعه مقالات *نگاهی به پدیده گسست نسل‌ها*، تهران، انتشارات جهاد دانشگاهی.
۲۶. شریف‌زاده، حکیمه‌السادات، سیداحمد میرمحمد تبار و مریم سهرابی (۱۳۹۳). «بررسی نقش استفاده از فناوری‌های نوین (اینترنت و ماهواره) بر هویت دینی دانش‌آموزان»، تحقیق در مسائل تعلیم و تربیت اسلامی، سال بیست‌ودوم، ش ۲۳.
۲۷. صبور ی خسروشاهی، حبیب و نفیسه توکلی‌نیا (۱۳۹۱). «بررسی تأثیر رسانه ملی در ایجاد شکاف نسلی»، فصلنامه *مطالعات رسانه‌ای*، سال هفتم، ش ۱۹.
۲۸. فاضلی، نعمت‌اله (۱۳۸۵). «جوانان و انقلاب در سبک زندگی»، مجله *رشد آموزش و پرورش*، دوره نهم، ش ۴.
۲۹. _____ (۱۳۸۲). *سبک زندگی*، تهران، چاپ اول، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۳۰. فتحی، سروش و معصومه مطلق (۱۳۹۰). «جهانی شدن و فاصله نسلی (مطالعه جامعه‌شناختی فاصله نسلی: با تأکید بر فناوری اطلاعات و ارتباطات)»، فصلنامه *مطالعات راهبردی سیاست‌گذاری عمومی*، دوره ۲، ش ۵.
۳۱. فلیک، اووه (۱۳۹۴). *درآمدی بر تحقیق کیفی*، ترجمه هادی جلیلی، چاپ هشتم، تهران، نشر نی.
۳۲. قاضی‌نژاد، مریم (۱۳۸۳). «نسل‌ها و ارزش‌ها: بررسی و تحلیل جامعه‌شناختی گرایش‌های ارزشی نسل جوان و بزرگسال»، تهران، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران رساله دکتری جامعه‌شناسی.
۳۳. قدیمی، مهدی (۱۳۸۷). «بررسی شکاف نسلی در بین دانش‌آموزان شهر زنجان»، مجله *جامعه‌شناسی* (دانشگاه آزاد اسلامی آشتیان)، ش ۱۲.

۳۴. کرایب، یان (۱۳۹۳). *نظریه اجتماعی مدرن*، ترجمه عباس مخبر، تهران، انتشارات آگه.
۳۵. گیدنز، آنتونی (۱۳۷۹). *تجدد و تشخص، جامعه و هویت شخصی در عصر جدید*، ترجمه ناصر موفقیان، تهران، نشر نی.
۳۶. محمدی، عاطفه‌سادات (۱۳۸۸). «بررسی مسئله شکاف نسلی در خانواده‌های ایرانی»، *پژوهشنامه علوم اجتماعی*، ش ۴۵.
۳۷. محسنی تبریزی، علیرضا (۱۳۸۳). *وندالیسم*، تهران، انتشارات آن.
۳۸. مستخدمین حسینی، حمید، حبیب‌اله کریمیان و پروین سوادیان (۱۴۰۱). «شکاف نسلی و تجربه زیسته مادران سمنانی»، *پژوهش‌های انتظامی و اجتماعی خانواده*، دوره ۱۰، ش ۱.
۳۹. معمار، ثریا، صمد عدلی‌پور و فائزه خاکسار (۱۳۹۱). «شبکه‌های اجتماعی مجازی و بحران هویت (با تأکید بر بحران هویتی ایران)»، *فصلنامه مطالعات و تحقیقات اجتماعی در ایران*، دوره ۱، ش ۴.
۴۰. معیدفر، سعید (۱۳۸۳). «شکاف نسلی یا گسست نسلی (بررسی شکاف نسلی در ایران)»، *نامه علوم اجتماعی*، ش ۲۴.
۴۱. معیدفر، سعید، کریم حبیب‌پور گتایی و احمد گنجی (۱۳۸۴). «اعتیاد اینترنتی؛ علل و پیامدهای آن»، *فصلنامه مطالعاتی و تحقیقاتی وسایل ارتباط جمعی (رسانه)*، سال شانزدهم، ش ۳.
۴۲. میرمحمدی، داوود و باقر ساروخانی (۱۳۹۱). «فضای مجازی و تحولات هویت ملی در ایران (مطالعه موردی: شهر تهران)»، *مجله مطالعات ملی*، ش ۵۲.
۴۳. یصحانی، علی (۱۳۸۱). «بررسی تأثیر اینترنت بر مصرف‌گرایی در بین جوانان تهرانی»، *فصلنامه مطالعات فرهنگی*، ش ۱۲.
44. Attitude-Stirling, J. (2011). "Thematic Networks: An Analytic Tool for Qualitative Research", *Qualitative Research*, 1 (3).
45. Braun, V. and V. Clark (2006). "Using Thematic Analysis in Psychology", *Qualitative Research in Psychology*, 3 (2).
46. Hansen, J.I.C. and M. Leuty (2012). "Work Values Across Generations", *Journal of Career Assessment*, 20 (1).

طراحی مدل مطلوب راهکارهای پیشگیری از شکاف نسلی در تعامل مخاطبان با شبکه‌های اجتماعی - ۱۷۳

47. Obar, J.A. and S. Wildman (2015). "Social Media Definition and the Governance Challenge: An Introduction to the Special Issue", *Journal of Telecommunications Policy*, 39 (9).
48. Raybeck, D. and V. Domunck (2010). "Values and Change Over a Generation: Kelantan", *Malaysia*, 44 (2).
49. Shamsher, R. (2012). "Effect of Satellite Television on the Culture of Bangladesh: The Viewers -Perception", *European Journal of Business and Management*, 4 (9).
50. Stevenson, N. (1995). *Understanding Media Cultures: Social Theory and Mass Communication*, London, Sage.
51. Tan-Torres, T. (1995). *A Study on Primary Health Care Services in the Philippines*, PIDS Discussion Paper Series, No. 1995-20, Makati City.